

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرهنگ قاسمی

۱۸ فروری ۲۰۲۰

رای نمی دهیم و اعتراض می کنیم!

انتخابات آزاد یکی از اصول زیربنایی فراروند دموکراسی در هر جامعه ایست. انتخاب یعنی آزادی گزینش از میان چند امکان. داوطلب – یا کاندیدا – که از پیش به طور آزادانه، انجام مسئولیت مشخصی را پذیرفته باشند. از نظر لغوی، در واژه انتخاب، مفهوم آزادی مستتر است. وقتی کسی می خواهد شخصی را انتخاب کند باید کاملاً آزاد باشد و مناسبات آزاد، در فضایی کاملاً آزاد فراهم گردد، تا هر شهروندی بتواند در شرایط آزادی کامل، به نماینده مورد نظر خود رأی دهد.

آزادی به آگاهی کمک می کند، در اداره جامعه بشری، امر انتخابات و برگزیدن نمایندگان مردم توسط مردم، در شرایط آزاد و به طور آگاهانه، باعث مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم مردم در سرنوشت خودشان می شود. اگر شهروندی آزاد و آگاه نباشد انتخاب نیز آزادانه و آگاهانه نیست. استفاده منطقی از وسایل و امکانات برای آزادی و آگاهی وظیفه هر شهروند آزادمند است.

از آنجا که آزادی با قدرت، به ویژه با قدرت استبدادی – دینی یا غیر دینی – در تقابل است، پس اختیار و آزادی توسط مستبدان و برخی از قدرت ها یا محدود می گردد، یا کلاً سرکوب می شود. به عبارت دیگر، انتخابات ابزار رسیدن به دموکراسی در جامعه آزاد است که می تواند در رفتار خودکامه قدرتمداران تعدیل و در جامعه تعادل برقرار کند.

سعادت ملی با جمهوری اسلامی ناممکن است. در جمهوری اسلامی هرگز انتخابات آزاد امکان پذیر نیست. انتخابات آزاد، بدون استقلال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مفهوم واقعی خود را از دست می دهد، باید آزادی داشت تا بتوان مستقلاً انتخاب کرد. اگر آزادی یا استقلال از هر ملتی سلب شود، قبل از هر چیز باید آنان را پس بگیرد. تا ملتی برای کسب آزادی و استقلال از دست رفته خود به پا برنخیزد منش آزاد ندارد، پس قیام برای آزادی و استقلال وظیفه انسان های آزادمند است. تنها کشوری که آزادی داشته باشد می تواند به انتخابات آزاد رسیده و در شرایط دموکراتیک زندگی کند. تنها شرایط و مناسبات مبتنی بر دموکراسی می تواند سعادت و خوشبختی مردم را فراهم سازد. پس آنچه را که طی دهه ها گفته و نوشته ام باز تکرار می کنم نخست باید رژیم جمهوری اسلامی را بر زمین زد و از آن گذار نمود، آنگاه، در یک انتخابات آزاد نمایندگان واقعی دوران گذار را برگزید، قانون اساسی جمهوری ایران مبتنی بر منشور جهان شمول حقوق بشر و ملحقات آن را به تصویب رساند و ... و از دموکراسی مانند نور دیده پاسداری کرد.

ملت ایران در سال ۱۳۵۷ برای استقلال و آزادی، انتخابات آزاد و رسیدن به دموکراسی انقلاب کرد، حاکمیت شاهی را انداخت، اما افسوس که نه تنها به دموکراسی دست نیافت بلکه یک نظام دینی، تحت عنوان جمهوری اسلامی، به رهبری آخوندها را بر ایران حاکم کرد. در یک کلام، بد رفت جایش را بدتر گرفت .

چرا؟ زیرا به دنبال انقلاب، بخش بزرگی از ملت، با افتادن در دام دین و مذهب، از دخالت در سرنوشت خود کنار گذارده شدند. استبداد و تبعیض و در نتیجه آن فقر و فساد و چپاولگری بر جامعه تسلط یافت. حکومت استبداد دینی برای خالی نبودن عریضه، یک مجلس شورای اسلامی، با نمایندگان فرمایشی و انتصابی ایجاد کرد تا ادعا کند که مانند دیگر کشور های جهان، در جمهوری اسلامی نیز پارلمان و حاکمیتی مشروع وجود دارد.

دوم اسفند[حوت] یکبار دیگر، هنگام شعبده بازی نظام جمهوری اسلامی، تحت عنوان انتخابات مجلس اسلامی است. در این دوره، بسیار گسترده تر از دوره های قبلی، شمار بزرگی از مردم ایران، به دلیل نارضایتی های عمیق از حاکمیت جمهوری اسلامی تصمیم دارند در انتخابات شرکت نکنند. ضمن پشتیبانی از این تصمیم باارزش مردم ایران این سؤال مطرح می شود که آیا در جامعه ای که یک عده دزد و مزدور به عنوان نمایندگان مردم، در محوطه مجلس انباشته می شوند تا تصمیمات یک فرد مستبد و متعصب، به نام ولی فقیه را مشروعیت قانونی بخشد صرف "بایکوت" یا تحریم انتخابات کافی است؟

نه، به هیچ وجه و هرگز کافی نیست. چرا که این انتصابات که به غلط آن را انتخابات می نامند، نه تنها از نظر جهانشمولی حقوق بشر، مشروعیت قانونی و حقوقی ندارند، بلکه حاکمیت غارتگر و فاسد جمهوری اسلامی، حق انتخابات آزاد را، که باید بر اساس منشور جهانی حقوق بشر و ملحقات آن در شرائط آزاد و منصفانه انجام پذیرد، از مردم ایران دزدیده است. پس باید حق آزادی انتخابات را از غاصبان آن پس گرفت. غاصبان دست نشانده ای که به عنوان نمایندگان مردم، در چارچوب قوانین نظام اسلامی، بیش از چهل سال است که بی محابا به شرافت ملت بزرگ ایران حمله می کنند و آن را زیر پا می گذارند. ملت بیدار ایران می تواند با دست زدن به یک قیام ملی بساط این طراری را در هم کوبد و از این دور باطل خلاصی یابد .

رأی دادن در جمهوری اسلامی، تأیید قوانین اسلامی، تن دادن به مبانی فکری آن و قبول ساختار سراپا غیر انسانی رژیم و به ویژه قانون اساسی پر از تبعیض آن می باشد .

اگر انسانیت را ارج گذار هستیم و میهن دوست و حق طلب می باشیم، بی تردید باید با رژیم اسلامی مقابله کنیم. بدین ترتیب تکلیفمان در رأی دادن یا رأی ندادن مثل روز روشن است. وقتی انتخابات را فاقد صلاحیت و رژیم را فاقد مشروعیت می دانیم، رأی نمی دهیم و می گوئیم رأی ندهید. اگر کسانی در گذشته به هر دلیلی رأی داده اند، امروز، با توجه به وضعیت اقتصادی و سیاسی و کشتار ها و زندان ها و شکنجه ها باید به این نتیجه رسیده باشند که با صدای بلند بگویند دیگر بس است، دیگر رأی نمی دهیم .

نه تنها رأی نمی دهیم، بلکه ما نسبت به رژیم و انتخاباتش اعتراض می کنیم، زیرا معتقدیم، جمهوری اسلامی در طول عمرش، به استناد رفتار و کردارش، به مردمان ایران ثابت کرد که دزد و غارتگر سرزمین ما و حقوق ملت ایران است .

نه تنها نباید رأی داد، بلکه باید دادخواه حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود از این رژیم شد؛ رژیمی که کشور را، از هر نظر، ورشکسته کرده، در امر دیپلماسی بین المللی ناکارآمد است، و ملت را به سوی فقر و ناامنی کامل سوق داده است .

نه تنها باید رأی نداد، بلکه باید با صدای بلند اعلام کرد که رأی دادن در جمهوری اسلامی، مشارکت در امر دزدی حقوق و ثروت مادی و معنوی ایرانیان و خیانت به ملت و مشارکت در کشتار های بیشمار به ویژه در دو سال اخیر است .

نه تنها باید رأی نداد، بلکه باید گفت که مجلس خانه نمایندگان ملت است، کارگزاران ولایت فقیه، لیاقت ورود در خانه ملت را ندارند و باید خانه ملت را، که توسط جمهوری اسلامی غصب شده است، از آن پس گرفت و آن را به نمایندگان واقعی مردم واگذار کرد.

نه تنها باید رأی نداد، بلکه باید نسبت به این نمایش عوام فریبانه، به نام انتخابات، که در فضای خفقان و بدون شرایط لازم برای یک انتخابات آزاد انجام می شود، اعتراض کرد. زیرا اعتراض انسان ها در برابر بی عدالتی و دفاع از حقوق خود در مقابل چپاولگران وظیفه انسانی هر انسان شرافتمند است .

نه تنها باید رأی نداد، بلکه باید دیکتاتور و مستبد، سردهسته دزدان و آدمکشان، علی خامنه ای، را که حقوق و منافع ملت را به چپاول می برد، دستگیر و محاکمه کرد. زیرا عدالت خواهی تضمین کننده آزادی و رشد جامعه است.

نه تنها باید رأی نداد، بلکه باید بساط این دروغ، دزدی، آدم کشی، زندانی کردن آزادیخواهان، شکنجه، تبعید و ناحقی در حق معترضان را از کشور برچید، جمهوری اسلامی را بر زمین زد، از آن گذار کرد، فجایع و جنایت های آن را در ملا عام فریاد زد و عاملان زنده و مرده آن را در دادگاههای عمومی محاکمه نمود. زیرا تاریخ نباید فجایع جمهوری اسلامی را به فراموشی بسپارد تا در آینده در میهن ما، از تکرار اینگونه فجایع هولناک جلوگیری شود.

نه تنها باید رأی نداد، بلکه باید برای آینده ایران فعال شد، برای برقراری جمهوری ایران مبتنی بر آزادی، دموکراسی، استقلال، لائیسیته و عدالت اجتماعی مبارزه کرد. زیرا تنها استقرار و پاسداری از یک جمهوری متمدنی و دموکرات، رشد اقتصادی و سیاسی را تضمین می کند و فقر، استبداد، دخالت دین و دولت و تبعیض را از جامعه ریشه کن می سازد. رأی ندهیم و در شهر و محله خود علیه انتخابات در جمهوری اسلامی اعتراض کنیم .

فرهنگ قاسمی